

الگوهای جدید در شورش عراق*

نویسنده: آنتونی اچ. کوردزمن
ترجمه و تلخیص: محمود فیروزی

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۴

چکیده

حوادث عراق گویای آن است که جامعه عراق درگیر شورش داخلی است که هدف اصلی آن تلاش برای به شکست کشاندن فرایند جاری سیاسی در عراق از طریق ایجاد جنگ داخلی در این کشور است. از سوی دیگر مقامات عراقی تاکنون در برابر تلاشهایی که برای ایجاد جنگ داخلی صورت گرفته است، مقاومت کرده، به تلاشهای خود برای وارد کردن اقلیتهای عراقی در روند سیاسی این کشور ادامه داده‌اند. به‌ویژه رهبرانی دینی تلاشهایی جدی به منظور جلوگیری از جنگ داخلی و اقدامات تلافی‌جویانه انجام داده‌اند. اشغالگران آمریکایی ابتدا انتظار داشتند نیروهایشان به عنوان نیروهای رهایی‌بخش مورد استقبال قرار گیرند ولی درگیر شورش شدند که از درک ماهیت و سرشت آن در مانده‌اند. این مقاله با پرداختن به ماهیت شورش در عراق، تلاش می‌کند ماهیت بازیگران، ابعاد و اهداف آن و واکنش حکومت و نیروهای اشغالگر را با نگاه آمریکایی تبیین کند. مقاله حاضر بیانگر چالشهای پیش روی نیروهای اشغالگر در منازعات داخلی عراق و عدم آمادگی و شکست استراتژی ضدشورش آمریکا در صحنه عراق است.

* Anthony H. Cordesman, "New Patterns in the Iraq Insurgency : The War for a Civil War in Iraq", (<http://www.csis.org.com>).

مقدمه

تمرکز بر روی هر یک از عناصر و اجزای جنگ در عراق خطرناک است و این امر شامل تمرکز بر روی افراطیون که عناصر خارجی قدرتمندی در اختیار دارند نیز می‌شود. یکی از مقامات عراق اخیراً اظهار کرد: «شما آمریکاییها همیشه یک دشمن بی تجربه می‌خواهید. شما باید فکر کنید و عمل کنید، به گونه‌ای که گویی ۲۵۰ نوع دشمن دارید. برخی از آنها خارجی هستند و برخی داخلی؛ برخی متعصب هستند و برخی دیگر ممکن است بتوان آنها را متقاعد ساخت که به روند سیاسی بپیوندند. ما قبایل، هسته‌ها، مساجد، شهرها و بخشهای مختلف شهری با اهداف مختلف و تاکتیکهای و روشهای گوناگون داریم. که به مبارزه خود با آمریکا ادامه می‌دهند.»

با وجود این، واقعیت این است که عراق از قبل در یک جنگ داخلی سطح پایین درگیر بوده و حجم بسیاری از درگیریها در عراق اکنون بر محور این مسئله است که آیا عناصر تندرو مخالف می‌توانند جنگ داخلی ایجاد کنند یا خیر. همان‌گونه که «آباد علاوی» نخست‌وزیر موقت سابق عراق هشدار داده است: «سیاست باید ایجاد وحدت ملی در عراق باشد. بدون این امر ما قطعاً به سوی جنگ داخلی پیش خواهیم رفت. ما هم‌اکنون که صحبت می‌کنیم در مرحله اول یک جنگ داخلی قرار داریم.»

اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، سؤال اساسی تعیین‌کننده آینده عراق این است که آیا یک عنصر شورش؛ یعنی عناصر مختلف تندروی نوسلفی شورش، می‌تواند با استفاده از مجموعه‌ای از عملیاتهای بمبگذاری انتحاری، آدم‌ربایی، قتل‌های هدفمند و قتل‌عام گروهی شیعیان و کردها، روند سیاسی را با شکست مواجه سازد و مباحثی را در مورد قانون اساسی و انتخابات آینده را به‌طور گسترده‌ای بی‌معنی سازد؟*

جنگی نامتقارن در درون جنگ نامتقارنی دیگر

نشانه‌های قوی وجود دارد که جنگی نامتقارن در درون جنگ نامتقارن دیگری جریان دارد. تقریباً هدف اصلی تمام شورشیان از تلاش برای حمله به نیروهای ائتلاف

* به اعتقاد صاحب‌نظران، حضور اشغالگران آمریکایی و اشتباهات آنها در عراق انگیزه اصلی وقوع شورش در عراق محسوب می‌شود. لذا، خروج اشغالگران و واگذاری امور به مردم عراق می‌تواند منجر به فرونشاندن شورش در عراق شود. (مترجم)

و خروج آنها از بخشهایی یا تمام خاک عراق، به حمله به دولت عراق و نیروهایش و به شکست کشاندن روند سیاسی این کشور تغییر کرده است. آنچه شورشیان افراطی را که عمدتاً نوسلفی‌ها هستند، متفاوت می‌سازد این است که بسیاری از آنها ایجاد جنگ داخلی را فی‌نفسه یک هدف می‌دانند و آن را به عنوان بخشی از یک نبرد گسترده‌تر تلقی می‌کنند که تحت حاکمیت دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه قرار دارد.

ماهیت شورشیان

هر خواننده‌ای که بیانیه‌ها و صفحات سایت اینترنتی شورشیان را بخواند فوراً متوجه می‌شود که انگیزه‌ها در میان گروه‌ها و جناح‌ها و برخی مواقع بین هسته‌ها و اجزای سازمان شورشیان، متفاوت است. بسیاری از شورشیان در مورد اینکه مخالف چه چیزی هستند بیشتر می‌دانند تا اینکه بدانند موافق چه چیزی هستند. ولی به نظر می‌رسد برخی از آنها اصولاً در ماهیت خود ملی‌گرا و به دنبال تأثیرگذاری و کنترل بر حوادث در داخل عراق هستند.

به‌طور کلی ملی‌گرایان عراق خواهان بازگشت به نوعی حکومت هستند که به رژیم بعث عراق شبیه باشد؛ رژیم سکولاری که در آن حاکمیت داشته باشند. عصبانیت، انتقام، نیازهای اقتصادی، مخالفت با تهاجم ایالات متحده و هر حکومت ناشی از آن یا صرف عدم امیدواری به نظام کنونی، هر کدام می‌تواند یک انگیزه باشد.

شورشیان «نوسلفی» - به‌ویژه آنهایی که تحت رهبری افرادی مانند زرقاوی هستند - اهداف متفاوتی دارند. آنها معتقدند که در حال جنگیدن در سطحی منطقه‌ای برای تشکیل شکلی از افراط‌گرایی هستند که نه تنها حضور مسیحیان و یهودیان را از بین می‌برد بلکه یک دولت ناب و خالص سنی ایجاد می‌کند که در آن، دیگر فرقه‌های اسلام مجبور می‌شوند یا تفسیر و برداشت آنها را بپذیرند و یا نابود می‌شوند. آنها نه تنها کمترین میزان تحمل را در مورد «افراد اهل کتاب» ندارند، بلکه تحمل‌گرایشهای دیگر اسلام را نیز ندارند. ایدئولوژی این شورشیان مبتنی بر آن است که تعیین کنند چه کسی از دیدگاه آنها یک فرد معتقد محسوب می‌شود. آنها کسانی را که با تعریف آنها از دینداری منطبق نباشند، مرتد می‌شناسند. برای برخی از آنها - به‌ویژه گروه تحت رهبری زرقاوی - تمام فرقه‌های اسلامی دیگر مانند شیعیان و حتی دیگر سنی‌ها، عملاً غیرمعتقد یا کافر به حساب می‌آیند.

چنین سازمانهایی محدودیتهای شدیدی دارند. هیچ روشی برای آگاهی از تعداد عراقی‌های نوسلفی و دیگر عناصر افراطی شورشی وجود ندارد. همچنین هیچ آمار دقیقی در مورد تعداد داوطلبان خارجی حامی آنها در دست نیست.* روشن نیست که چه تعدادی از اعضای گروههای افراطی عملاً از اهداف ایدئولوژیک این گروه حمایت می‌کنند. غیر اینکه می‌دانیم آنها بر اساس عصبیت و اطلاعات غلط، ناشیانه عمل می‌کنند. هیچ مرز مشخصی در مورد کاربرد انواع مختلف خشونت، وجود ندارد.

توجیه خشونت

خشونت امروز گروههای افراطی نوسلفی، هم در رغبت آنها به کاربرد خشونت بر ضد غیرنظامیان و بی‌گناهان و هم در تمایل آنها به استفاده از خشونت بر ضد دیگر مسلمانان متفاوت است. در مفهوم گسترده‌تر، شورشیان افراطی در عراق به شدت در پی کاربرد روشهای خشونت‌آمیز مانند بمبگذاریهای انتحاری و استفاده از این روشها بر ضد اهداف شیعیان و کردها هستند. آنها همچنین درصدد استفاده از این روشها بر ضد مقامات عراق و عراقی‌های شاغل در نیروهای ارتش، نیروهای امنیتی و نیروهای پلیس و نیز تمام عراقی‌ها از هر مذهب و فرقه‌ای که از تفسیر آنها از جهاد پشتیبانی نمی‌کنند، می‌باشند. از این گذشته آنها بر اساس این اصل عمل می‌کنند که مردم عادی عراق را می‌توان به عنوان افراد قربانی در جنگ، در راه آرمان خود فدا کرد.

این اعتقاد بدین مفهوم است که هیچ حد و اندازه‌ای در تمایل برخی از عناصر شورشیان افراطی‌تر برای تشدید بحران وجود ندارد؛ حتی اگر این کار به معنی تلاش برای کشاندن یک کشور به جنگ داخلی باشد که آنها نتوانند پیروز شوند. همچنین این احتمال وجود دارد که در صورت تهدید بیشتر شرایط آنها، بحران را بیشتر تشدید کنند. از دیدگاه مذاکره و بازدارندگی، تقریباً مسلم به نظر می‌رسد که نمی‌توان بسیاری از کادرها و رهبران چنین گروهها و هسته‌هایی را متقاعد ساخت، بلکه تنها باید شکست داده شوند. از این گذشته، آنها نه تنها منزوی و خشونت‌آمیز باقی می‌مانند بلکه همچنان

* یکی از اشتباهات استراتژیک نیروهای اشغالگر، ناتوانی آنها در پیش‌بینی، پیشگیری و مقابله با شورشگران از طریق عملیات اطلاعاتی بوده است. (مترجم)

فعال باقی خواهند بود تا زمانی که یا ریشه‌کن شوند یا در صورت اجبار پراکنده شوند و به کشورها یا مناطق جدیدی نقل مکان کنند یا در صورت شکست گروه‌های پشتیبانی‌کننده آنها، به گروه‌های افراطی دیگر بپیوندند.

شورشیان افراطی نوسلفی چه کسانی هستند؟

مشخص کردن پیشینه اعتقادی این گروه‌ها دشوار است. آنها بیشتر فعالان سیاسی و نظامی هستند تا آموزشگران تعالیم مذهبی. همین‌طور آنها به مفهوم وهابیت، خشک مقدس نیستند و به مفهوم سنتی کلمه، سلفی هم محسوب نمی‌شوند. با اینکه آنها «اسلام‌گرا» هستند*، اما آنقدرها هم مذهبی نیستند که به خاطر اعتقاداتشان به نبرد خشونت‌آمیز دست بزنند. رهبران و کادرهای خارجی آنها در جنگ‌های گذشته و اعضای عراقی این گروه‌ها، از زمان تهاجم نیروهای ائتلاف به عراق پدید آمده‌اند.

هیچ‌کس به روشنی نمی‌تواند برآورد کند که چه تعداد از این‌گونه افراطیون نوسلفی در صحنه عراق حضور دارند. هیچ‌کس به‌طور کامل نمی‌داند تعداد گروه‌ها و هسته‌های دخیل در عراق چقدر است.** با این وجود، تا حدودی روشن به نظر می‌رسد که این گروه‌های نوسلفی تنها بخش کوچکی از شورش در عراق هستند. همچنین تا حدودی مشخص است که آنها در خشونت‌هایشان در عراق چیره‌دست و مرگبار هستند.

همچنین مشخص است که گروه‌های افراطی نوسلفی مانند گروه ابومصعب زرقاوی، اصلی‌ترین مظنونان در بمب‌گذاریهای انتحاری به‌ویژه بمب‌گذاریهای بر ضد شیعیان هستند. در مواردی زرقاوی دیدگاه‌هایش را در مورد مجاز شمردن حمله به مسلمانان دیگر، روشن ساخته است. اما در موارد دیگر با این استدلال که شیعیانی که مخالف اشغال هستند، مورد هدف قرار نمی‌گیرند، مواضع مبهم و نامشخصی داشته است.

افراطیون نوسلفی از لفاظی مذهبی در عراق به‌طور مؤثری استفاده و تلاش کرده‌اند درگیری در عراق را با دیگر درگیریهای مسلمانان در فلسطین، چین، افغانستان و کشمیر پیوند بزنند. اعلامیه‌ها و نوارهای تبلیغاتی آنها برای استخدام و جذب نیرو با

* اعتقادات و عملکرد این گروه‌ها هیچ سنخیتی با تعالیم اسلام ندارد. لذا به نظر می‌رسد بهره‌گیری از لفظ اسلام با هدف تخریب صورت می‌گیرد. (مترجم)

** این مطالب و بخش‌های دیگر مقاله، بیانگر توانایی اطلاعاتی آمریکایی‌ها در شناسایی شورشگران در عراق است. (م)

اشاراتی به این درگیریها شروع می‌شود و «نبرد» خود را در عراق به عنوان بخشی از نبرد جهانی اسلام در برابر جهان غرب گره می‌زنند.

همچنین مشخص شده است که این مسئله عامل مهمی در صف‌آرایی این گروهها و گسترش حوزه دسترسی آنها به مردم عراق بوده است. گزارشهایی وجود داشته است که برخی از «ملی‌گراها» صفوف خود را به این گروههای نوسلفی در عراق پیوند زده‌اند. به نقل از موفق‌الربیعی مشاور امنیت ملی عراق گفته شده است که «مذهب انگیزه‌ای قوی است. شما کسی را پیدا نخواهید کرد که بخواهد برای بعضی‌ها کشته شود. اما سلفی‌ها پیامی قوی دارند».

حدس و گمان در مورد تعداد کل آنها

اکثر کارشناسان تعداد شورشیان افراطی را حدود ۵ تا ۱۰ درصد کل شورشیان برآورد می‌کنند؛ بدون آنکه بتوانند بگویند این درصد بر اساس کدام عدد مبنا مورد محاسبه قرار گرفته است. کارشناسان و افسران آمریکایی در برخی موارد به رقم کل ۲۰۰۰۰ شورشی از همه نوع اشاره می‌کنند اما این کارشناسان در میان اولین کسانی هستند که اظهار می‌دارند این رقم بیشتر میانگین عددی در یک سلسله حدس و گمانها است تا اینکه برآوردی واقعی باشد. برخی کارشناسان نیز تعداد کل شورشیان سنی و هواداران فعال شورش از همه نوع را از رقم ۱۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ نفر برآورد می‌کنند و معتقدند تعداد به مراتب بیشتری طرفداران غیرفعال وجود دارد. این حدس و گمانها رقم افراطیون را عددی بین ۱۵۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر تخمین می‌زند.

با اینکه اکثر کارشناسان اتفاق نظر دارند که تعداد کل شورشیان در حال افزایش یا کاهش شدیدی نمی‌باشد، هیچ‌گونه اتفاق نظری در زمینه روند ارقام یا در مورد سطح مهارتی که بتوانند فشار دائمی نیروهای ائتلاف و دولت عراق را تحمل کنند، وجود ندارد. روشن است که تعداد زیادی از شورشیان عادی و نیمه‌وقت کشته، دستگیر یا پراکنده شده‌اند؛ همچنین مشخص است که تعدادی از رهبران سطوح میانی و بالای شورشیان نیز دستگیر شده‌اند. با وجود این، هیچ اتفاق نظری در مورد پیامد این‌گونه عملیاتها روی قدرت و توانمندی کلی گروههای شورشی و شبکه‌هایی که مورد حمله قرار گرفته‌اند، وجود ندارد. در این زمینه نیز هیچ اتفاق نظری وجود ندارد که آیا در طول زمان، ضربات

جدی به مهارت و توانایی آنها وارد شده یا خیر و آیا آنها قدرت بازسازی شبکه‌های خود و کسب مهارت و تجربه سریع‌تر از تحمل تلفات را دارند یا خیر.

یقیناً شورشیان همچنان توان اجرای عملیات، به‌ویژه انجام عملیات خونین بمبگذاریهای انتحاری و دیگر انواع حملات به اهداف بی‌دفاع مانند غیرنظامیان شیعه و کرد و نیز داوطلبان بی‌دفاع استخدام، پلیس، خبرنگاران، دیپلماتها، پیمانکاران و مقامات بدون محافظ را دارند. با اینکه نیروهای ائتلاف و دولت عراق از مدتها پیش در اقدامی به منظور کم‌اهمیت جلوه دادن شورش، از صدور هرگونه برآورد عمومی خودداری کرده‌اند، اما روزنامه‌های عراقی مملو از گزارشهای روزانه در مورد خشونت‌های شورشیان است.

تأثیر جنگجویان داوطلب خارجی

تعداد نیروی انسانی تأمین شده از سوی جنگجویان خارجی هم که به صورت پنهانی به عراق وارد و از این کشور خارج می‌شوند در انجام هرگونه اقدام برای برآورد نقش افراطیان نوسلفی در شورش عراق و نیز در تلاش برای مقابله با شورش، یک متغیر مجهول است. فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا در تابستان سال ۲۰۰۵ چنین برآورد می‌کرد که ۹۰ درصد شورشیان عراقی می‌باشند. طبق این محاسبه، اجزای غیرعراقی شورشی، رقمی کمتر از ۱۰ درصد و سهم نیروهای خارجی در تأمین نیروی انسانی شورش است. با اینکه این رقم، نسبتاً کوچک است اما عنصر خارجی به عنوان خشونت‌آمیزترین جزء شورش شناخته می‌شود. همچنین عنصر خارجی به عنوان یکی از منابع مهم پشتیبانی مالی و مادی به شورش تلقی می‌شود.

مصاحبه با مقامات و فرماندهان ارشد ایالات متحده و عراق حاکی از آن است که افراطیان خارجی از کشورهای مختلفی - از جمله کشورهای خلیج فارس، شمال آفریقا، سوریه، سودان و آسیای مرکزی - وارد عراق می‌شوند. برخی عراقی‌ها روی سوریه به عنوان مشکل اصلی دست می‌گذارند.

تعداد جنگجویان خارجی

در بهار سال ۲۰۰۴، مقامات امریکایی استعداد و توان اصلی جنگجویان را کمتر از ۱۰۰۰ نفر یا ۲۰۰۰ نفر برآورد می‌کردند. تا ژوئن سال ۲۰۰۵، جنگجویان خارجی کمتر از

۶۰۰ نفر از مجموع ۱۴۰۰۰ بازداشتی را تشکیل می‌دادند. همچنین برآورد کارشناسان ائتلاف از جنگجویان خارجی تا آن موقع، کمتر از ۵ درصد تلفات و بازداشتی‌های شورش بود. اکنون، کارشناسان تعداد جنگجویان داوطلب خارجی تمام وقت فعال را بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر برآورد می‌کنند. با وجود این تقریباً همه اتفاق نظر دارند که آنها مانند بلشویکهای قبل از خودشان، اقلیتی هستند که تنها از طریق توطئه و زور می‌توانند بر شورش تسلط یابند. در عین حال برخی از کارشناسان عراق تصور می‌کنند که آنقدر جنگجویان داوطلب از طریق مرز سوریه و مرزهای دیگر وارد عراق می‌شوند که تعداد کل آنها به سرعت در حال افزایش است. اتفاق نظر گسترده‌ای وجود دارد که جنگجویان داوطلب خارجی یکی از خطرناک‌ترین ابعاد شورش در عراق هستند؛ چرا که آنها در حملاتی دخیل بوده‌اند که بیشترین سهم را در برانگیختن جنگ داخلی داشته‌است.

بسیاری از داوطلبان افراطی / اسلامگرای سطح پایین، جنگجویان آموزش دیده یا کارآموده نیستند. آنها از کشورهای مختلف و غالباً بدون هیچ‌گونه آموزشی یا آموزش بسیار اندکی وارد عراق می‌شوند و اکثریت قابل ملاحظه‌ای از آنها تنها سابقه کوتاهی از وابستگی و ارتباط با یک گروه سازمان یافته افراطی دارند.^(۱۷) با وجود این گروههایی که جنگجویان خارجی به آن می‌پیوندند درصد زیادی از جنگجویان عراقی و خارجی را در اختیار دارند که به‌طور قابل ملاحظه‌ای سازماندهی بهتری دارند؛ کاملاً مجهز هستند و قادر به اجرای کمین‌ها و انجام حملات مؤثر می‌باشند. این شورشیان با تجربه‌تر نشان داده‌اند که می‌توانند در شرایط سخت بجنگند و برخی مواقع مایلند ایستادگی کنند تا کشته شوند تا جایی که نیروهای عراقی را مجبور کنند وارد تبادل آتش و درگیریهای شدید شوند.

در ژوئن سال ۲۰۰۵ فرمانده نیروهای ائتلاف در عراق، جنگجویان خارجی را به عنوان خشن‌ترین گروه در شورش جاری عراق معرفی کرد. بر اساس گفته وی، فعالیتهای شورش در میان عراقی‌ها با انگیزه‌های مالی صورت می‌گیرد و شورشیان خارجی از منابع مالی خودشان استفاده می‌کنند تا عراقی‌ها را به انجام حملات بر ضد عراقی‌های دیگر وادار کنند.

نقش جنگجویان خارجی در بمبگذاریهای انتحاری و تأثیر آن در تحریک جنگ داخلی

انجام برخی ویرانگرترین و وحشیانه‌ترین حملات نیازمند آموزش اندکی است. منابع نیروهای ائتلاف و حکومت عراق هنگامی که در مورد عدم تمایل عراقی‌ها برای انجام حملات انتحاری اظهارات کلی و بی‌دقتی بیان می‌کنند، برای سخنان خود هیچ‌گونه پشتوانه یا تجزیه و تحلیل تأییدکننده‌ای در مورد این حملات ندارند. با وجود این، به نظر می‌رسد اکثر بمبگذاران انتحاری در عراق خارجی بوده‌اند. یکی از مقامات وزارت دفاع ایالات متحده چنین برآورد می‌کرد که تا جولای سال ۲۰۰۵ عراقی‌ها به‌طور مستقیم کمتر از ۱۰ درصد از ۵۰۰ مورد بمبگذاری انتحاری را انجام داده‌اند.

وب سایتهای گروههای افراطی نیز پر است از زندگی‌نامه ادعایی خارجی‌هایی که در این‌گونه عملیات کشته شده‌اند. برخی از این‌گونه ادعاها مورد تردید است، اما به نظر می‌رسد اکثر عملیات انتحاری با خودروی بمب‌گذاری شده و بمب‌گذاریهای انتحاری انفرادی از سال ۲۰۰۳ توسط این افراد انجام داده‌اند.

این‌گونه حملات در بهار و تابستان سال ۲۰۰۵ به شدت افزایش یافت. خبرگزاری آسوشیتدپرس حداقل ۲۱۳ مورد حمله انتحاری را بین ماههای ژانویه و جولای ۲۰۰۵ برشمرده است. فرمانده نیروی هوایی ایالات متحده و سخنگوی لشکر یکم تفنگداران دریایی اظهار می‌دارد: «جنگجویان خارجی‌انتهایی هستند که در اغلب موارد پشت فرمان خودروهای بمب‌گذاری شده هستند یا در اغلب موارد پشت صحنه تمام عملیاتهای انتحاری هستند». ژنرال ابی‌زید اظهار می‌دارد در تعداد افرادی که از شمال آفریقا به‌ویژه الجزایر، تونس و مراکش برای انجام عملیات انتحاری وارد عراق می‌شوند افزایشی را مشاهده کرده بودند.

در آگوست سال ۲۰۰۵، مقامات عربستان سعودی اعلام کردند که در شش ماهه اول سال ۲۰۰۵، ۶۸۲ نفر عراقی را دستگیر کرده‌اند که تلاش می‌کردند به داخل خاک عربستان سعودی نفوذ کنند. سخنگوی وزارت کشور عربستان سعودی اظهار داشت اقدامات امنیتی تازه‌ای در طول مرز باعراق اتخاذ شده که از جمله آنها می‌توان به ایجاد خاکریزهای شنی، استقرار سنسورها و دوربینهای حساس به گرما و گشت شبانه‌روزی اشاره کرد. همچنین بنا به گفته وی، مسئله باقی‌مانده، عدم وجود اقدامات امنیتی در مرزها از سوی عراق است.

علاوه بر مرز ۸۰۰ کیلومتری عراق با عربستان سعودی، مرزهای قابل نفوذ با اردن و سوریه در مبارزه با کمک خارجی به شورش عراق همچنان از جمله مشکلات است.* این داوطلبان توسط جنبشهای افراطی در کشورهای دیگر استخدام و به عراق فرستاده می‌شوند. کارشناسان در مورد تعداد دقیق این‌گونه بمبگذاران انتحاری و ملیت آنها اختلاف نظر دارند:

* بر اساس محاسبه ریون پار در مارس سال ۲۰۰۵، حدود دویست بمبگذار انتحاری به ثبت رسیده ۱۵۴ نفر از آنها در ۶ ماه قبل از آن کشته شده بودند. برآورد او این بود که ۹۴ نفر (۶۱٪) تبعه عربستان سعودی، ۱۶ نفر (۴٪/۱۰) از اتباع سوریه، ۱۳ نفر عراقی (۴٪/۸)، ۱۱ نفر کویتی (۱٪/۷)، ۱۴ نفر اردنی، ۳ نفر لبنانی، ۲ نفر لیبیایی، ۲ نفر الجزایری، ۲ نفر مراکشی، ۲ نفر یمنی، ۲ نفر تونسسی، ۱ نفر فلسطینی، یک نفر از امارات متحده عربی، و یک نفر سودانی باشند.

* ایوان اف. کلمن ۲۳۵ نفر از بمبگذاران انتحاری را یافته که از تابستان سال ۲۰۰۵ در وب سایتها از آنها نام برده شده است و این‌گونه برآورد می‌کرد که بیش از ۵۰٪ از آنان از اتباع عربستان سعودی هستند: در مطالعه‌ای که من و نواف عبید انجام دادیم سوابق ۴۷ نفر از بمبگذاران انتحاری تبعه سعودی را در مطبوعات آن کشور در ماه مه ۲۰۰۵ به دست آوردیم. برآورد ما این است که تا ماه آگوست ۲۰۰۵ تعداد جنگجویان خارجی در شورش عراق حدود ۳۰۰۰ نفر یا ۱۰ درصد کل تعداد شورشیان است که حدود ۳۰۰۰ نفر می‌باشند. بزرگ‌ترین بخش جنگجویان خارجی اهل الجزایر هستند (۶۰۰ نفر یا ۲۰ درصد). پس از آن به ترتیب: سوریه (۵۵۰ نفر یا ۱۸ درصد)، یمن (۵۰۰ نفر یا ۱۷ درصد)، سودان (۴۵۰ نفر یا ۱۵ درصد)، مصر (۴۰۰ نفر یا ۱۳ درصد) قرار دارند، عربستان سعودی (۳۵۰ نفر یا ۱۲ درصد) و سایر کشورها (۱۵۰ نفر یا ۵ درصد). این مطالعه نشان داده که از ۳۵۰ جنگجوی عربستانی در عراق، ۷۲ نفر

* علی‌رغم ادعای مقامات سیاسی آمریکا، نویسنده مقاله که خود یکی از کارشناسان سرشناس آمریکایی در مباحث استراتژیک می‌باشد، ادعایی مبنی بر مداخله جمهوری اسلامی ایران ارائه نمی‌نماید. (مترجم)

فعال، ۱۵۰ نفر احتمالاً فعال، ۷۴ نفر احتمالاً بازداشت و ۵۶ نفر احتمالاً مرده باشند. صرف نظر از تعداد جنگجویان استخدام شده، مقامات و کارشناسان مبارزه با تروریسم در منطقه خلیج فارس و سایر کشورهای عربی عمیقاً نگران این واقعیت هستند که برخی سازمانها جوانان عرب و مردان دیگر کشورهای اسلامی را جذب سازمانهای افراطی می کنند و آنگاه آنها را از طریق مرزهای سوریه به داخل عراق نفوذ می دهند. این اقدامها برخی مواقع به صورت پراکنده و انفرادی صورت می گیرد تا اینکه به سازمانهایی مانند القاعده به صورت آشکار مرتبط باشد و می تواند اقدامات مبارزه با تروریسم کشورها را که بر روی امنیت داخلی متمرکز است را نادیده انگارد.

با توجه به تجارب گذشته بسیاری از این افراد تجارب خود را در عراق حفظ خواهند کرد و به عنوان کادرهای تروریستی کارآموده ظاهر می شوند. این مسئله، همسایگان عراق و سایر کشورهای اسلامی را با نسل کاملاً جدیدی از جوانان مواجه می سازد که به عنوان افراطیان که در خارج این کشورها آموزش دیده اند.*

برآورد وزارت خارجه ایالات متحده در مورد گروههای افراطی نوسلفی و زرقاوی

تعیین توانمندیها و تعداد کل گروههای افراطی نوسلفی و گروههای وابسته به آنها دشوار است. گزارش وزارت خارجه ایالات متحده در مورد کشورهای در زمینه تروریسم، سطح کلی این گونه فعالیتها تروریستی در عراق در پایان سال ۲۰۰۴ و نقش گروههای کلیدی را چنین توصیف می کنند:

عراق همچنان صحنه اصلی مبارزه جهانی با تروریسم است. عناصر رژیم گذشته و نیز جنگجویان خارجی و افراطیان، به حملات تروریستی بر ضد شهروندان و غیرنظامیان ادامه دادند. این عناصر همچنین حملات آشوبگرانه زیادی بر ضد نیروهای ائتلاف و نیروهای امنیتی عراق انجام دادند که در اغلب موارد، تأثیرات ویرانگری روی شهروندان غیرنظامی داشت و به زیرساختهای اقتصادی این کشور صدمات جدی وارد ساخت.

* ناتوانی اشغالگران در فرونشاندن شورش در عراق، این کشور را به محل تربیت تروریستهای کارآموده تبدیل کرده است. (مترجم)

گزارش وزارت خارجه ایالات متحده، گروه زرقاوی و جماعت التوحید و الجهاد را این‌گونه توصیف می‌کند:

«... ابومصعب الزرقاوی متولد اردن و سازمان او در سال ۲۰۰۴ ظهور کرد تا نقش مهمی در اقدامات تروریستی در عراق ایفا کند. در اکتبر، دولت ایالات متحده گروه زرقاوی را به نام جماعت التوحید و الجهاد، به عنوان یک گروه تروریستی خارجی اعلام کرد. در دسامبر به این اعلام، الحاقیه‌ای افزوده شد تا نام گروه جدیدی را با عنوان «سازمان جهاد القاعده در سرزمین دو رودخانه» و دیگر عناوینی که پس از اتحاد میان زرقاوی و سازمان القاعده به رهبری اسامه بن لادن به وجود آمد، دربرگیرد. زرقاوی این اتحاد را در اکتبر اعلام کرد و بن لادن در دسامبر زرقاوی را به عنوان نماینده رسمی خود در عراق مورد تأیید قرار داد.* گروه زرقاوی مسئولیت کشته شدن تعدادی از مأموران غیرمسلح و بدون یونیفورم نظامی گارد ملی عراق را برعهده گرفته است. همچنین مسئولیت حملاتی را که منجر به کشته شدن غیرنظامیان طی بمبگذاری مارس سال ۲۰۰۴ در هتل کوه لبنان که در جریان آن ۷ نفر کشته و بیش از ۳۰ نفر مجروح شدند و نیز بمبگذاران انتحاری ۲۴ دسامبر که با استفاده از یک تانکر سوخت در منطقه المنصور بغداد صورت گرفت و طی آن ۹ کشته و ۱۶ نفر مجروح شدند برعهده گرفت.

در فوریه سال ۲۰۰۴ زرقاوی خواستار «جنگ فرقه‌ای» در عراق شد. او و سازمان تحت امرش از طریق انجام چندین حمله گسترده تروریستی بر ضد شیعیان عراق، در پی ایجاد شکاف و اختلاف میان شیعیان و سنی‌های عراقی بودند.** در مارس سال ۲۰۰۴ زرقاوی مسئولیت بمبگذاریهای همزمان در بغداد و کربلا را بر عهده گرفت که منجر به کشته شدن بیش از ۱۸۰ زائر برگزارکننده مراسم گرامیداشت روز عاشورا شد. در ماه دسامبر نیز زرقاوی مسئولیت حملات انتحاری به دفاتر عبدالعزیز حکیم رئیس مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق و یکی از بزرگ‌ترین احزاب شیعه عراق را که

* رابطه میان بن لادن و گروه زرقاوی از اسرارآمیزترین مسائل جنایات سازمان یافته محسوب می‌شود. (مترجم)
** تحلیلگران معتقدند این اقدامات باهدف تحریک شیعیان در شرایط حساس عراق صورت می‌گیرد که با درایت روحانیان ناکام مانده است. (مترجم)

منجر به کشته شدن ۱۵ نفر و مجروحیت ۵۰ نفر منتهی شد، برعهده گرفت.

زرقاوی مسئولیت حمله دیگری را در همان ماه در شهر کربلا و نجف که در جریان آن تعدادی از غیرنظامیان عراق کشته و بیش از ۱۲۰ نفر نیز مجروح شدند. تروریستهایی که در عراق فعالیت می‌کنند دست به آدم‌ربایی و قتل‌های هدفمند می‌زنند تا عراقی‌ها و اتباع کشورهای ثالث را که در عراق به عنوان پیمانکار کار می‌کنند، بترسانند. حدود ۶۰ نفر غیرنظامی آمریکایی در حملات تروریستی در عراق طی سال ۲۰۰۴ کشته شده‌اند. در ماه ژوئن زرقاوی مسئولیت انفجار خودروی بمبگذاری شده‌ای را که به کشته شدن رئیس شورای حکومتی عراق منصوب نیروهای ائتلاف منجر شد، برعهده گرفت. در آوریل یک غیرنظامی آمریکایی ربوده و بعداً کشته شد. زرقاوی مسئولیت مستقیم بودن و کشتن دو غیرنظامی آمریکایی و پس از آن مهندس بریتانیایی همکار آنها و نیز قتل یک شهروند ژاپنی را در ماه اکتبر برعهده گرفت. در اگوست، گروه شورش کردی انصارالسنه مسئولیت ربودن و قتل ۱۲ نفر از کارگران ساختمانی از کشور نپال و پس از آن قتل دو شهروند ترکیه در ماه سپتامبر را برعهده گرفت. بسیاری از اتباع خارجی کشورهای دیگر نیز ربوده شده‌اند. برخی از آنها کشته و برخی دیگر آزاد شده‌اند و برخی دیگر هنوز در دست ربایندگان اسپرند و سرنوشت برخی از آنها نامشخص است.

گروه‌های شورشی دیگری نیز در عراق فعال هستند. انصارالسنه که برخی معتقدند انشعابی از گروه انصار است، در سپتامبر ۲۰۰۱ در عراق تأسیس و برای اولین بار در آوریل سال ۲۰۰۳ پس از صدور یک اعلامیه در اینترنت شناخته شد. در فوریه سال ۲۰۰۴ گروه انصارالسنه مسئولیت بمبگذاری در دفاتر احزاب سیاسی کردستان در شهر اربیل را که در جریان آن ۱۰۹ غیرنظامی عراقی کشته شدند، برعهده گرفت. گزارش وزارت خارجه ایالات متحده توصیف دقیقی از نقش انصار ارائه کرده است:

«انصار یک گروه رادیکال متشکل از کردها و اعراب عراقی است که سوگند یاد کرده‌اند دولت مستقل در عراق ایجاد کند. این گروه در دسامبر سال ۲۰۰۱ تشکیل شد. در پاییز سال ۲۰۰۳ اطلاعیه‌ای صادر شد و در آن از تمام شورشگران در عراق خواسته

شده بود تحت عنوان انصارالسنه متحد شوند. تا آن زمان احتمال می‌رود که انصار تمام برعهده گرفتن مسئولیت حملات را تحت عنوان انصارالسنه ارسال کرده است. انصار، متحد نزدیک القاعده و گروه ابومصعب الزرقاوی یا تنظیم قائدان الجهاد فی بلاد الرافدین در عراق است. برخی از اعضای انصار در اردوگاههای القاعده در افغانستان آموزش دیده‌اند و این گروه برای جنگجویان القاعده قبل از عملیات آزادسازی عراق پناهگاه امن فراهم می‌کرد. از زمان عملیات آزادسازی عراق، انصار یکی از گروههای عمده‌ای بوده است که درگیر عملیات بر ضد ائتلاف در عراق بوده است و مبارزه تبلیغاتی شدیدی را بر ضد آنها طراحی کرده است. انصار حملات خود را بر ضد نیروهای ائتلاف، مقامات دولت عراق و نیروهای امنیتی این کشور و گروههای قومی و احزاب سیاسی عراق ادامه می‌دهد. اعضای انصار، متهم به دست داشتن در قتلها و تلاش برای قتل مقامات اتحادیه میهنی کردستان و نیروهای ائتلاف می‌باشند و با عواملی در القاعده و رابطینی در سازمان القاعده در بین‌النهرین روابط نزدیکی دارند. گروه انصار همچنین مسئولیت حملات عمده بسیاری را از جمله: بمبگذاریهای انتحاری همزمان در دفاتر احزاب کردستان شامل اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان در شهر اربیل در اول فوریه ۲۰۰۴ و بمبگذاری ساختمان غذاخوری ارتش ایالات متحده در موصل در ۲۱ دسامبر سال ۲۰۰۴ برعهده گرفت.

استعداد این گروه حدوداً بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر و محل استقرار و منطقه عملیاتی آنها عمدتاً در مرکز و شمال عراق است ... این گروه کمکهای مالی، آموزشی و تجهیزات و پشتیبانی عملیاتی خود را از سازمان القاعده در بین‌النهرین و دیگر حامیان بین‌المللی در سراسر جهان دریافت می‌کند. گروه انصار همچنین هسته‌های عملیاتی و پشتیبانی تدارکاتی در اروپا در اختیار دارند.»

منابع دیگری نیز تاریخچه‌ای از این سازمانهای افراطی در عراق، ارائه کرده‌اند. به‌طور مثال در مورد گروههایی مانند «طلایه‌داران مسلح ارتش دوم» توضیحاتی بدین شرح ارائه شده است:

مأموریت طلایه‌داران مسلح ارتش دوم این است که در جنگ بر ضد نیروهای ائتلاف شرکت تا بیگانگان را مجبور کنند از سرزمین آنها خارج شود. این گروه افراطی

قسم یاد کرده است با هر مسلمان و عربی که با اقدامات بازرسی به رهبری ایالات متحده از جمله شورای حکومتی ۲۵ نفره عراق، همکاری نماید، مبارزه کند.

طلایه‌داران مسلح تا قبل از برعهده گرفتن مسئولیت حمله به مقر سازمان ملل در بغداد که در ۱۹ اگوست سال ۲۰۰۳ انجام شد، یک گروه ناشناخته بود. در اطلاعیه ۲۲ اگوست سال ۲۰۰۳، این گروه مستقر در رمادی اعلام کرد مسئولیت این انفجار را که در جریان آن ۲۳ نفر کشته و حداقل ۱۰۰ نفر مجروح شدند، برعهده می‌گیرد. در اطلاعیه دو صفحه‌ای این گروه که به ایستگاه تلویزیونی الجزیره ارسال شده بود اعلام شد این گروه نه تنها در طراحی و اجرای حمله شرکت داشته، بلکه مأموریت مستمر خود را وادار ساختن تمام خارجی‌ها به‌ویژه نیروهای ائتلاف به خروج از عراق می‌داند. بر اساس این اطلاعیه این گروه سوگند یاد می‌کند که «به نبرد خود با تمام خارجی‌ها تا ... پیروزی یا کشته شدن ادامه می‌دهد» و «آمریکایی‌ها را از اشغال سرزمین خود پشیمان می‌کند». این گروه سوگند یاد کرده بود «حملات مشابه‌ای بر ضد اعضای شورای حکومتی عراق و تمام نیروهای ائتلاف انجام خواهد داد». این گروه همچنین از سازمان ملل متحد به دلیل پشتیبانی از تهاجم ایالات متحده و بریتانیا و اشغال عراق انتقاد و آن را به دلیل عدم حمایت از غیرنظامیان عراق در جریان جنگ، محکوم کرد. طلایه‌داران مسلح نه تنها در پی جنگیدن با نیروهای ائتلاف در عراق هستند، بلکه در صدد ایجاد مبارزه جهانی بر ضد تمامی نیروهای ایالات متحده و حامیان آنها می‌باشند؛ چرا که امیدوارند عملیات آنها «به خود آمریکا و بریتانیا نیز خواهد رسید».

مقامات اطلاعاتی ایالات متحده دخالت این گروه را در انفجار ۱۹ اگوست ۲۰۰۳ در مقر سازمان ملل متحد در بغداد، نه تأیید کرده‌اند و نه تکذیب.

این گزارشها بیانگر اطلاعات مربوط به گروههای نوسلفی در حال شکل‌گیری در عراق است؛ اما آنها دائماً در حال تغییر و جهش هستند و وابستگی، استعداد، ایدئولوژی و حامیان مالی آنها همچنان نامشخص می‌باشند. برخی از این گروهها را می‌توان به عنوان شاخه‌های گروههای بزرگ‌تری مانند القاعده و گروه زرقاوی دانست.

در عین حال به نظر می‌رسد آنها ساختار اعتقادی و رویکرد مشترک و یکسانی در مورد جنگیدن داشته باشند. بر اساس گزارش وزارت خارجه ایالات متحده، به نظر

می‌رسد تفاوت ناچیزی میان انصارالسنه، انصار و گروه زرقاوی، جماعت التوحید و الجهاد، به جز تفاوت در نام آنها وجود داشته باشد. این گروه‌ها برخی مواقع، نامهای مختلفی را برای خود برمی‌گزینند تا تأثیر عملیات شورش را تشدید کنند و به منابع جذب نیروهای مختلفی (مانند عربیسم، سلفی‌گرایی، نوسلفی و غیره) متصل شوند.

گروه زرقاوی در سال ۲۰۰۵

زرقاوی بر شورشیان افراطی و نوسلفی‌ها در عراق حاکمیتی ندارد اما به نماد آنها تبدیل شده است. دیدگاهها در مورد اندازه گروه زرقاوی، عمق روابطش با بن‌لادن و القاعده، تعداد «جنگجویان» فعلی این گروه در عراق در مقایسه با غیرعراقی‌ها و تعداد دیگر گروههای افراطی موجود در عراق و میزان استقلال و آزادی عمل آنها از زرقاوی و القاعده به شدت متفاوت است. تعدادی از گروهها ادعا می‌کنند به گروه زرقاوی وابسته هستند اما مشخص نیست تا چه حدی با زرقاوی ارتباط دارند. احتمال دارد برخی از این گروهها او را تنها به عنوان منشأ الهام خود می‌دانند یا به عنوان گروهها و هسته‌های کاملاً مستقل عمل می‌کنند. به نظر می‌رسد این مسئله دربرگیرنده تعدادی از عناصر سازماندهی شده در مناطق قبیله باشد.

در عین حال، نیروهای مرتبط با زرقاوی توانسته‌اند عملیات تهاجمی گسترده‌ای را مانند حمله بهار سال ۲۰۰۵ به زندان ابوغریب انجام دهند. بسیاری از نیروهای شورشی که با تفنگداران دریایی و نیروی زمینی ایالات متحده در حملات خودشان در طول رودخانه فرات و نزدیک مرزهای سوریه تا ماه مه ۲۰۰۵ جنگیده‌اند یا با زرقاوی روابط داشته‌اند یا بخشی از مجموعه وفاداران و دیگر شورشیان عراقی بوده‌اند.

گروه زرقاوی زیر حمله مستمر بوده و بسیاری از رهبران کلیدی و نیز اعضای مهم خود را از دست داده است. با این حال، باز هم کارشناسان در مورد استعداد کنونی این گروه اختلاف نظر دارند. به نظر می‌رسد این گروه شامل یک سلسله هسته‌های مختلف با یک سازمان مرکزی محدود است. تعداد کل آنها کمتر از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر نیروی تمام وقت و نیمه‌وقت شامل عراقی‌ها و خارجی‌ها و استعداد اصلی آنها رقمی حدود ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر است. زرقاوی توانسته است از زمان جنگ فلوجه، داوطلبان خارجی بیشتری را جذب و به‌طور قابل توجهی داوطلب بیشتری برای انجام عملیات انتحاری

استخدام کند. با این وجود روشن نیست که آیا این گروه از عهده فرسایش دائمی ناشی از حملات لشکر یکم تفنگداران دریایی و حملات نیروهای دولت عراق برآید. با این حال، مسئله نفوذ افراد آنقدر جدی است که بهبود شرایط امنیت مرزی را از فوریه ۲۰۰۵ به اولویت اول نیروهای ائتلاف و دولت عراق تبدیل کند که یک عامل کلیدی در انجام سلسله عملیات تهاجمی در مناطق مرزی سوریه از ماه مه بوده است.

با اینکه به نظر می‌رسد برخی مواقع در مورد ادعاهای ایالات متحده در زمینه اهمیت کشتن و دستگیر کردن معاونان ارشد زرقاوی مبالغه و اغراق شده است - همان‌گونه که در مورد ادعاهای مربوط به کشته شدن احتمالی یا دستگیری زرقاوی مبالغه می‌شود - از اوایل سال ۲۰۰۵ موفقیت‌هایی به دست آمده است. در دهم ژانویه سال ۲۰۰۵، علاوی نخست‌وزیر وقت عراق اعلام کرد یکی از حامیان اصلی مالی زرقاوی در اوایل دسامبر سال ۲۰۰۴ در فلوجه دستگیر شده است. وی بیش از ۳۵ میلیون دلار در حساب بانکی‌اش داشته و کنترل ۲ تا ۷ میلیارد دلار از داراییهای رژیم گذشته را که از حسابهای دولتی سرقت شده بود، در اختیار داشت. بر اساس گفته بازجوها، هدف او متحد ساختن گروههای شورشی بوده است.

مرد شماره ۲ القاعده در عراق، که به عنوان دست راست زرقاوی و فرمانده عملیات روزانه در عراق تلقی می‌شد، توسط نیروهای عراقی و ائتلاف کشته شد. بر اساس اعلام ارتش ایالات متحده، وی در ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۰۵ در یک آپارتمان با ضرب گلوله کشته شد. از این رو، با توجه به اینکه او قبل از بازجویی می‌میرد، مشخص نیست نیروهای عراقی و ائتلاف چقدر اطلاعات در مورد کشته شدن او به دست آورده‌اند.

از آن زمان، نبردها در غرب عراق و سایر عملیاتها در این کشور منجر به کشته شدن یا دستگیری حدود ۸۰ نفر از فرماندهان و کادرهای ارشد گروه زرقاوی شده است. با وجودی که این مسائل به‌طور دقیق برای عموم اعلام نشده است اما به نظر می‌رسد درگیریها در تلعفر در ضربه زدن به عناصر اصلی گروه زرقاوی موفقیت‌آمیز بوده است. همچنین پیشرفتهای عمده‌ای در منطقه موصل حاصل شده است. با اینکه گروه زرقاوی تلفات زیادی را در مراتب مختلف متحمل شده، ولی تأثیر این شکستها در گروه زرقاوی هنوز نامعلوم است. گزارش شده که سازمان اطلاعات ایالات متحده بر این

باور است که سیل عراقی‌ها از جمله عناصر رژیم سابق، به سوی گروه‌هایی مانند گروه زرقاوی سرازیر شده است. با وجود این، مقامات ایالات متحده معتقدند این مسئله بیانگر «تغییر در آرایش این گروه است تا نشانگر گسترش عمده‌ای در استعداد کلی آن. این تحول می‌تواند اطلاعات بهتری در اختیار زرقاوی قرار دهد، جنگجویان آموزش دیده‌تری در اختیار وی قرار دهد و از همه مهم‌تر، به این گروه‌ها تصویر بومی و داخلی دهد تا گروهی متشکل از خارجی‌ها از کشورهای همسایه. این مسئله همچنین می‌تواند وابستگی چنین گروه‌هایی را به ورود سیل جنگجویان خارجی از کشورهای همسایه از طریق مرزهای عراق، کاهش دهد».

گروه‌های شورشی دیگر نیز به ابومصعب الزرقاوی ابراز وفاداری کرده‌اند. برای نمونه در ۲۶ سپتامبر سال ۲۰۰۵ اطلاعیه‌ای در یک وب‌سایت شورشیان منتشر شد که به امضای فرمانده گردان زبیر ابن‌العالم رسیده بود و در آن قول داده شده بود که به گروه زرقاوی بپیوندد.

زرقاوی همچنین تلاش کرده است قبایل عراقی را برای پیوستن به شورش، بسیج کند. این یک تاکتیک از سوی اوست تا نه تنها تعداد جنگجویانی را که در اختیار دارد افزایش دهد یا حتی به شورش، ریشه داخلی و بومی دهد، بلکه اتهام حملات بر ضد عراقی‌ها را گسترده‌تر کند. او تلاش کرده است آنها را تهدید کند و آنها را به ضدیت دولت کنونی عراق وادارد. او در نوار ضبط شده‌ای در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۵ گفت: «ما به همه قبایل هشدار می‌دهیم که هر قبیله، حزب یا جمعیتی که همدستی و همکاری‌اش با صلیبیون و پیروان آنها اثبات شود، من به خدا سوگند یاد می‌کنم، هدف حمله قرار خواهد گرفت، دقیقاً همان‌طوری که صلیبیون را هدف قرار خواهیم داد و ما اعضای آن گروه و جمعیت را نابود خواهیم کرد... شما باید انتخاب کنید که می‌خواهید جزء کدام اردوگاه باشید».

برخی کارشناسان بر این اعتقادند که قبایل عراقی طی سه سال گذشته به زرقاوی پناه داده‌اند. برخی گزارش داده‌اند که بعضی از این قبایل به دلیل حملات گروه زرقاوی به عراقی‌ها، در حال رویگردانی از زرقاوی هستند (اعضای برخی از این قبایل سنی و شیعه هستند). معلوم و مشخص نیست که زرقاوی چه نوع کمکهایی از چه قبیله‌ای

دریافت می‌کند و یا حتی چه تعداد از جنگجویان زرقاوی اعضای این قبایل هستند.

تهدیدات نوسلفی‌ها بر ضد شیعیان

گروه‌های نوسلفی در مورد نحوه نگرش به دیگر مذاهب اسلامی شدیداً اختلاف نظر دارند و غالباً از این خشونت‌ها طرفداری می‌کنند. البته این بدان معنی نیست که آنها به این جنبه از مبارزه خودشان اولویت می‌دهند. آنها برای دستیابی به حمایت دیگر فرقه‌های دینی هنگامی که از لحاظ تاکتیکی مناسب باشد، فرصت طلب هستند.

مثلاً زرقاوی در گذشته تلاش کرده است اعتبار گروه خود را بازسازی کند تا تنش به وجود آمده را در روابط با سنی‌های عراقی کاهش دهد. در اعلامیه‌های وبسایت او ادعا می‌شد این گروه تلاش کرده است از وارد شدن تلفات به مسلمانان به جز نیروهای امنیتی و نظامی عراق جلوگیری کند. این سایت، حمله به غیرنظامیان را مانند حمله انتحاری گسترده مارس سال ۲۰۰۵ حله، خیلی سریع محکوم و تقییح کرد. تعداد روزافزون حملات خونین انتحاری و دیگر حملات بر ضد شیعیان و کردها، از پشتیبانی عناصر وفادار به زرقاوی و نیز دیگر گروه‌های زرقاوی برخوردار بوده است.

او به‌طور کلی شیعیان و سنی‌های عراق را مورد حمله قرار داده است. کشتن شیعیان در عراق به مراتب چیزی بیش از تلفات جانبی است. در ماه‌های اخیر، قتل‌ها و کشتارهای هدفمند شهروندان شیعه در حال فراگیر شدن است. مثلاً در ۲۶ سپتامبر سال ۲۰۰۵، ۵ معلم شیعه همراه با رانندگان آنها توسط شورشیان به داخل کلاس کشیده شده، در همان جا اعدام شدند. این حمله در منطقه معروف به «مثلث مرگ» صورت گرفت.

یک نوار دیگر منتسب به زرقاوی در ۶ جولای سال ۲۰۰۵ پخش شد. در این نوار، زرقاوی دوباره تأکید کرد که هدف قرارداد عراقی‌ها مشروع است و نیروهای امنیتی عراق را کافر خواند. او از روحانیان عراقی مخالف هدف قرارداد عراقی‌ها، درخواست کرد دیدگاه‌های خود را مورد تجدیدنظر قرار دهند. زرقاوی در این پیام تأکید کرد که ایالات متحده با عراق وارد جنگ شد تا منافع اسرائیل را پیش ببرد و به جنگ در عراق به عنوان یک «باتلاق» اشاره می‌کند. او اعلام کرد ایالات متحده به‌زودی سرزمین شام (سوریه بزرگ) را به بهانه توقف نفوذ شورشیان مورد حمله قرار خواهد داد. البته این حمله تاکنون به دلیل شدت حملات مبارزان صورت نگرفته است. خواسته زرقاوی

جهت اعمال خشونت علیه شیعیان از سوی رهبران برجسته سنی رد شد. از مؤید الادهمی یکی از اعضای مجمع علمای سنی نقل شد که وی گفته است: «ما (سنی‌ها) طرفدار زرقاوی نیستیم و به زرقاوی تأکید کرد که اطلاعیه خود را پس بگیرد».

زرقاوی در صدد ایجاد اختلاف میان شیعیان بود و گروه‌هایی از قبیل گروه مقتدی صدر را از روند سیاسی عراق دور نگه داشت تا بر ضد دولت موقت ابراهیم الجعفری بشوراند.

زرقاوی حمله خود را بر روی ۶ گروه شیعه و کُرد متمرکز و اعلام کرد به این حملات ادامه خواهد داد. وی تأکید کرد گروه‌هایی که به ایالات متحده در اشغال عراق کمک می‌کنند عبارتند از: حزب الدعوه (که ابراهیم الجعفری آن را نمایندگی می‌کند)، مجلس اعلای انقلاب [اسلامی عراق] که نمایندگی آن را (صفوی) عبدالعزیز الحکیم بر عهده دارد، حزب کنگره عراق (توسط احمد چلبی نمایندگی می‌شود)، حزب الوفاق (که ایاد علاوی آن را نمایندگی می‌کند)، حزب دمکرات کردستان (که مسعود بارزانی آن را نمایندگی می‌کند) و حزب اتحادیه میهنی کردستان (که جلال طالبانی آن را نمایندگی می‌کند).

واکنش شیعیان

اقدامات و اطلاعیه‌ها و اظهارات زرقاوی و دیگر افراطیان، انتقام‌جویی را در میان شیعیان برنیزگیخته است هرچند این اقدامات، تنش میان سنی‌ها و شیعیان را افزایش داده و جدایی‌طلبی و درخواست دولت فدرالی را در میان شیعیان ترغیب کرده است. رهبران دینی هر دو طرف در آستانه تنشها، بر حفظ خونسردی و آرامش تأکید کرده‌اند و امامان جماعت در مساجد عراق از بغداد تا نجف و کرکوک، «عوامل خارجی» را به خشونت متهم کرده‌اند.

روحانیان برجسته و رهبران سیاسی شیعیان تأکید کرده‌اند به حملات یا اعلام جنگ زرقاوی بر ضد آنها واکنش نشان ندهند. یکی از نمایندگان آیت‌الله علی سیستانی به نمازگزاران تأکید کرد که «تسلیم شدن به هوای نفس و گمراهی دیگران ما را به سوی فتنه‌انگیزی می‌راند و سرانجام منجر به شکست ما می‌شود. ... ما باید به پیش برویم، صبور باشیم و ساختن عراق جدید را به انجام برسانیم».

در ۳۱ آگوست حدود ۱۰۰۰ نفر زائر شیعه در فضای رعب و وحشت در بغداد کشته شدند. زائران در حال عبور از پل الایمه در راه حرم موسی‌الکاظم (ع) بودند که شایعاتی پخش شد مبنی بر اینکه بمبگذاران انتحاری در میان آنها هستند. بر اساس اعلام وزارت کشور عراق، نتیجه حاکم شدن ترس و وحشت حاصله از این شایعه، به مرگ ۹۵۳ نفر شیعه منجر شد. مجمع علمای مسلمین قبلاً به زرقاوی تأکید کرده بود که «تهدیدات خود را پس بگیرد».

روابط با بن‌لادن و گروه‌های خارجی

یکی دیگر از ابعاد مهم گروه‌های شورشی این است که نبرد آنها به مراتب فراتر از مرزهای عراق گسترش یافته است؛ همان‌طور که پایگاه‌های پشتیبانی آنها این‌گونه است. برای نمونه گروه زرقاوی به تدریج روابط خود را با گروه‌های خارجی تقویت کرد. در اکتبر سال ۲۰۰۴ زرقاوی علناً به بن‌لادن اعلام وفاداری کرد و نام سازمانش را از التوحید و الجهاد به سازمان القاعده در سرزمین بین‌النهرین تغییر داد. با اینکه هیچ شاهدی وجود ندارد که این دو نفر حتی با یکدیگر ملاقات کرده باشند یا حتی به‌طور مستقیم با هم ارتباط برقرار کرده باشند، بن‌لادن در دسامبر ۲۰۰۴ با صدور اطلاعیه‌ای زرقاوی را به عنوان امیر القاعده در عراق مورد تأیید قرار داد.

به نظر می‌رسد گروه‌هایی مانند ارتش انصارالسنه که مسئولیت حمله به سالن غذاخوری ارتش ایالات متحده در موصل در دسامبر ۲۰۰۴ و مسئولیت بسیاری از حملات انتحاری دیگر را برعهده گرفته است، با زرقاوی و احتمالاً القاعده رابطه دارند. به نظر می‌رسد آنها عمدتاً عراقی هستند اما ترکیب آنها نامعلوم است؛ همان‌طور که مشخص نیست این گروه و هسته‌های آن تا چه حدی حداقل بخشی از میراث انصار هستند - گروه فعالی که ظاهراً قبل از جنگ به زرقاوی پناه داده بود. در نوامبر سال ۲۰۰۴، انصارالسنه ادعا کرد که این گروه دوباره با گروه زرقاوی و یک گروه دیگر در عراق همکاری کرده است.

برخی تحلیلگران معتقدند بن‌لادن با معرفی زرقاوی به عنوان «امیر» عملیات در عراق، یک اشتباه استراتژیک مرتکب شد. عراقی‌ها عمیقاً به خارجی‌ها به‌ویژه

همسایگان این کشور در منطقه بی‌اعتماد هستند. این اعلام بن‌لادن می‌تواند از سوی عراقی‌ها بر اساس احساسات ملی‌گرایانه شدید تفسیر شود؛ مانند اینکه یک نفر سعودی به یک نفر اردنی دستور بدهد عراقی‌ها را بکشد. این تحلیلگران معتقدند که این اقدام، عراقی‌های وطن‌پرست را از شورش دور می‌کند و آنها را تشویق می‌کند پشتیبانی خود را از دولت عراق اعلام کنند.

این مسئله ممکن است درست باشد اما روی دیگر داستان این است که وابستگی بین‌المللی جریان‌های پشتیبانی و منابع خارجی، ابزار فنی و تسلیحات و فناوری را فراهم می‌آورد. همچنین به گسترش پوشش رسانه‌های خبری و تغذیه شبکه‌های خبری ماهواره‌ای کمک می‌کند. این مسئله به شورشیان در درون عراق اجازه می‌دهد تا از عصبانیت مردم نسبت به ایالات متحده در مورد مناقشه اعراب و اسرائیل بهره‌برداری کنند و نیز از نارضایتی مردم از رژیم‌های عربی و دیگر رژیم‌ها در کشورهای اسلامی بهره‌برداری شود. نتیجه نهایی آنکه، یک شبکه غیررسمی از گروه‌های متغیر نوسلفی است که از اروپا تا ایالات متحده گسترش یافته و تقریباً در تمام کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه، جنوب آسیا و جنوب شرق آسیا عوامل و عناصری را در اختیار دارد.

این مسئله همچنین پرسش‌های جدی را در مورد اینکه دستگیری یا کشتن چهره‌هایی مانند زرقاوی یا بن‌لادن چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت، مطرح می‌کند. این اقدام به جای اینکه رأس هرم یک تشکیلات متصلب را از بین ببرد یا این گروه را متلاشی کند، نتیجه نهایی آن می‌تواند بلافاصله یک الگو به وجود آورد؛ می‌تواند شاهد ظهور رهبران جدیدی باشد و یا گروه‌ها و هسته‌های رقیب و موازی را تقویت کند. چنین پیروزی‌های تاکتیکی در عراق می‌تواند منجر به راه‌افتادن امواج جدیدی از داوطلبان و بمبگذاران انتحاری شود و روی جنگ در عراق به منظور ایجاد داخلی تنها پیامدهای اندک و ناچیزی به همراه داشته باشد.

گاه‌شمار وقایع جنگ عصبیت و نفرت

ضرب‌المثلی است که می‌گوید: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». مفهوم این ضرب‌المثل را به معنی واقعی کلمه می‌توان در جنگ عراق مشاهده کرد. دقیقاً نمی‌توان

فهمید چه گروهی مسئول حمله به شیعیان یا کردها بوده و یا انگیزه دقیق آنها چه بوده است. اما الگوی حملات گذشته دربرگیرنده مواردی است که گروههای افراطی مسئولیت حمله به غیرنظامیان را پذیرفته‌اند و روزشمار تشنجات و درگیریها بیانگر این موضوع است.

بمبگذاریهای انتحاری به عنوان ابزاری برای ایجاد جنگ داخلی

بمبگذاریهای انتحاری تنها یکی از سلاحهای شورشیان است که از آن برای طیف وسیعی از اهداف، علاوه بر ایجاد جنگ داخلی، مورد استفاده قرار گرفته است. اما در عین حال، گاه‌شمار وقایع خبرگزاری آسوشیتدپرس در خصوص مهم‌ترین بمبگذاریها به روشنی نشان می‌دهد که این عملیاتها غالباً برای ایجاد تنفر در بین قومیتها و مذاهب عراقی مورد استفاده قرار گرفته است*:

- ۱۹ اگوست ۲۰۰۳: یک کامیون بمبگذاری شده خارج از ساختمانهای مقر نیروهای سازمان ملل در بغداد منفجر شد و منجر به کشته شدن ۲۲ نفر شد.
- ۲۹ اگوست ۲۰۰۳: یک خودروی بمبگذاری شده در قسمت بیرونی مسجدی در شهر نجف منفجر شد که بیش از ۸۵ نفر از جمله آیت‌الله محمدباقر حکیم نیز در این عملیات کشته شدند (به شهادت رسیدند). اگرچه مقامات رسمی آخرین آمار کشته‌شدگان را ارائه نکردند اما گمان بر این است که تعداد بیشتری کشته شده باشند.
- ۲۷ اکتبر ۲۰۰۳: چهار بمب انتحاری در مقر صلیب سرخ بین‌الملل و چهار مرکز پلیس در بغداد منفجر شد و ۴۰ کشته برجای گذاشت که اکثراً عراقی بودند.
- اول فوریه ۲۰۰۴: دو بمبگذار انتحاری ۱۰۹ نفر را در دفاتر احزاب کردستان در اربیل کشتند.
- ۱۰ فوریه ۲۰۰۴: بمبگذاران انتحاری یک کامیون حاوی مواد منفجره را بیرون

* به‌رغم گذشت سه سال از اشغال عراق و اعلام پایان جنگ، اشغالگران نتوانسته‌اند گروههای کوچک و محدود که به‌طور نامنظم علیه اشغالگران عمل می‌کنند را مهار کند و مدام متحمل تلفات می‌شوند. (مترجم)

- از یک پاسگاه پلیس در اسکندریه منفجر کردند که طی آن ۵۳ نفر کشته شدند.
- ۱۱ فوریه ۲۰۰۴: یک بمبگذار انتحاری اتومبیل حاوی مواد منفجره را در صف عده‌ای از مردم عراق که در بیرون از مرکز استخدام ارتش در بغداد ایستاده بودند، منفجر کرد که ۴۷ نفر در این انفجار کشته شدند.
 - ۲ مارس ۲۰۰۴: یک سلسله انفجارات هماهنگ شامل بمبگذاریهای انتحاری، شلیک خمپاره و مواد منفجره کار گذاشته در اماکن مقدس مسلمانان شیعه در کربلا و بغداد به وقوع پیوست که حداقل ۱۸۱ نفر کشته و ۵۷۳ نفر زخمی شدند.
 - ۲۱ آوریل ۲۰۰۴: پنج انفجار در نزدیکی پاسگاههای پلیس و دانشکده پلیس در شهر جنوبی بصره، باعث کشته شدن ۵۵ نفر شد.
 - ۲۹ جولای ۲۰۰۴: در یک عملیات انتحاری، خودروی بمبگذاری شده در یک خیابان شلوغ بعقوبه منفجر و باعث کشته شدن ۷۰ نفر شد.
 - ۲۶ اگوست ۲۰۰۴: یک گلوله خمپاره به مسجدی که در آن عده‌ای از عراقی‌ها برای راهپیمایی به سوی شهر محاصره شده نجف آماده می‌شدند، اصابت کرد و ۲۷ کشته و ۶۳ زخمی برجای گذاشت.
 - ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۴: یک اتومبیل حاوی بمب به یک بازار شلوغ در نزدیکی ستاد فرماندهی پلیس بغداد که تعدادی از مردم عراق برای درخواست شغل منتظر بودند یورش برد و افراد مسلح به سوی اتومبیل حاوی کارکنان پلیس که از محل کار عازم منزل بودند آتش گشود. جمعاً در این دو عملیات، حداقل ۵۹ کشته و ۱۱۴ نفر زخمی شدند.
 - ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۴: زمانی که سربازان آمریکایی در یک مراسم دولتی حضور داشتند، در جریان یک رشته بمبگذاری در منطقه العامل بغداد، ۳۵ کودک و ۷ نفر دیگر کشته شدند.
 - ۱۹ دسامبر ۲۰۰۴: دو خودروی بمبگذاری شده به یک مراسم تشییع جنازه در نجف و یک ایستگاه مرکزی اتوبوس در کربلا حمله کردند که طی آن

- حداقل ۶۰ نفر کشته و بیش از ۱۲۰ نفر زخمی شدند.
- ۸ فوریه ۲۰۰۵: یک بمبگذار انتحاری با انفجار خودش در میان کارکنان ارتش، باعث کشته شدن ۲۱ نفر شد.
 - ۱۸ فوریه ۲۰۰۵: دو بمبگذار طی دو عملیات انتحاری به ۲ مسجد حمله کردند و ۲۸ نفر از مردم را کشتند. درحالی که انفجار دیگری در نزدیکی مراسم شیعیان باعث کشته شدن دو نفر دیگر شد.
 - ۲۸ فوریه ۲۰۰۵: یک بمبگذار انتحاری با اتومبیل حاوی بمب به سربازان گارد ملی و پلیس در شهر حله حمله کرد و باعث کشته شدن ۱۲۵ نفر و زخمی شدن بیش از ۱۴۰ نفر شد. تعدادی از کشته‌ها و زخمی‌ها در بازار مجاور بودند.
 - ۱۰ مارس ۲۰۰۵: یک بمبگذار انتحاری طی عملیاتی خود را در مراسم تشییع جنازه‌ای در مسجدی در شهر موصل منفجر کرد. در این عملیات حداقل ۴۷ نفر کشته و بیش از ۱۵۰ نفر زخمی شدند.
 - ۲۴ آوریل ۲۰۰۵: بر اثر دو عملیات بمبگذاری شورشیان در تکریت و شهرکی در بغداد جمعاً ۲۹ عراقی کشته و ۷۴ نفر زخمی شدند.
 - اول مه ۲۰۰۵: یک بمبگذار انتحاری با اتومبیل حاوی مواد منفجره به چادر تعدادی از عزاداران در شهر تلعفر که برای تشییع جنازه یک مقام کرد گرد هم آمده بودند حمله کرد و ۲۵ نفر از آنان را کشت و بیش از ۵۰ نفر را زخمی کرد.
 - ۴ می ۲۰۰۵: انفجار بمب در بین شهروندان عراقی متقاضی استخدام در پلیس در شهر کردنشین اربیل، باعث کشته شدن ۶۰ نفر و زخمی شدن ۱۵۰ نفر شد.
 - ۱۶ جولای ۲۰۰۵: فردی با جاسازی مواد منفجره در بدن خود به یک پمپ بنزین در نزدیکی مسجدی در شهر مصیب حمله کرد و با انفجار تانکر سوخت، باعث کشته شدن حداقل ۵۴ نفر و زخمی شدن حداقل ۸۲ نفر شد.

این روند نه تنها در حال فروکش نیست بلکه در حال تشدید است. در چهاردهم سپتامبر یک سلسله انفجارات انتحاری کاملاً هماهنگ در بغداد به وقوع پیوست که منجر به کشته شدن ۱۵۲ نفر از مردم شد که این بیشترین تلفات پس از سرنگونی صدام بود. تقریباً تمامی کشته‌ها و زخمی‌ها کارگران بی‌بضاعت بودند.

طبق گزارش خبرگزاری رویترز و آسوشیتدپرس، اگر کسی الگوی کلی حملات آن روز را مورد بررسی قرار دهد، متوجه خواهد شد که تلاش وسیعی برای ایجاد جنگ داخلی در حال شکل‌گیری است:

- بغداد: در یک عملیات انتحاری فردی مینی‌بوس حاوی بمب را در یک منطقه شیعه‌نشین در کاظمیه بغداد منفجر کرد که حداقل ۱۱۴ نفر کشته و بیش از ۱۸۰ نفر زخمی شدند. بنا به اظهار پلیس، قربانیان، کارگرانی بودند که برای به دست آوردن شغل اجتماع کرده بودند. این یکی از مرگبارترین عملیاتهای انتحاری در عراق بوده است.
- تاجی: ۱۷ نفر از مردم عراق توسط افراد مسلح در تاجی در شمال بغداد کشته شدند. بنا به گفته پلیس، افراد مسلح قربانیان را در نیمه شب خارج از منازلشان جمع کرده و آنها را به گلوله بستند. کشته‌شدگان از منطقه مشترک شیعه‌نشین و سنی‌نشین بودند.
- بغداد: بنا به اظهار پلیس، بر اثر انفجار یک خودروی حاوی بمب در منطقه شولای بغداد، ۵ نفر کشته و ۲۴ نفر زخمی شدند. انفجاری در مقابل دفتر یک روحانی شیعه رخ داد و این درحالی بود که یک گروه گشتی آمریکایی در آن حوالی مشغول گشت‌زنی بود.
- بغداد: بنا به اظهار پلیس، بر اثر برخورد یک خودروی بمبگذاری شده با گروه گشتی در منطقه عادل در بخش غربی بغداد، ۳ سرباز و ۳ شهروند عراقی کشته شدند.
- بغداد: در یک عملیات انتحاری، فردی با انفجار خودروی بمبگذاری شده در منطقه حوریه بغداد، ۱۱ غیرنظامی را کشت و ۱۴ نفر را زخمی کرد. پلیس

- گفت قربانیان در حال پرکردن مخازن سوخت خود بودند.
- بغداد: بنا به گفته پلیس، در اثر برخورد یک خودروی بمبگذاری شده با یک گروه گشتی پلیس در منطقه آدمیه در شمال بغداد، دو پلیس کشته و یک نفر زخمی شد.
 - بغداد: بر اثر حمله افراد مسلح به کاروانی در منطقه وزیریه در شمال بغداد، سه مقام دولتی وزارت کشور عراق زخمی و دو محافظ آنان کشته شدند. هنگامی که نیروهای کمکی به منطقه رسیده و آنجا را محاصره کرده بودند فردی در یک عملیات انتحاری خودروی خود را در نزدیکی آنان منفجر کرد که منجر به زخمی شدن چهار پلیس شد.
 - بغداد: انفجار بمب در حاشیه جاده‌ای در غرب منطقه امیریه بغداد، یک خودروی آمریکایی را منهدم کرد. از تلفات احتمالی گزارشی واصل نشد. بنابر اظهارات پلیس، در انفجار خودروی بمبگذاری شده در همان حوالی دو پلیس عراقی زخمی شدند.
 - بغداد: در یک عملیات انتحاری، بر اثر انفجار خودروی حاوی بمب در زیرگذری در مقابل یک گروه گشتی آمریکایی در مرکز بغداد، دو سرباز آمریکایی زخمی شدند.
 - بغداد: یک خودروی بمبگذاری شده در نزدیکی کاروان نیروهای آمریکایی در جنوب شرقی بغداد منفجر شد. این انفجار هیچ تلفاتی در بر نداشت.
 - بغداد: فردی در یک عملیات انتحاری با خودروی بمبگذاری شده به تانک آبراهام M-1 نیروهای آمریکایی در شرق بغداد حمله کرد. در این عملیات بمب منفجر نشد و راننده که در اتومبیل منهدم شده گیر افتاده بود، زنده ماند.
 - بغداد: فردی در یک عملیات انتحاری خودروی حاوی بمب را زیر پل روگذر ایستگاه راه‌آهن و پایگاه هوایی الموطن (مرکز اصلی سربازان) منفجر کرد. اخبار اولیه از کشته شدن ۴ عراقی و زخمی شدن ۲۰ نفر دیگر (شامل پلیس و غیرنظامی) حکایت داشت. اخبار تأیید نشده حاکی از این بود که

هدف فرد بمبگذار، یک گروه گشتی کماندوی پلیس عراق بوده است.
 - آنچه به همین میزان قابل توجه است این است که با اینکه چنین خشونت‌هایی یقیناً در آن روز به اوج خود رسید، کشتارها در روز بعد نیز بدون وقفه در سطحی پایین‌تر از معمول ادامه یافت.

واکنش دولت عراق و نیروهای ائتلاف

در حال حاضر راهی وجود ندارد که پیش‌بینی کنیم آیا شورشگران می‌توانند با استفاده از خشونت و ایجاد تنفر در ایجاد جنگ داخلی موفق باشند. اما واضح و مسلم است که عراق به سوی ثبات پیش‌نمی‌رود و بیشتر به موفقیت روند سیاسی عراق و روش مبارزه دولت عراق و ائتلاف با شورشیان بستگی دارد و نیز به نوع انگیزه‌های اقتصادی و سایر امتیازاتی بستگی دارد که برای متقاعد ساختن مخالفان عراقی پیشنهاد می‌شود تا به جای آشوب از روند سیاسی عراق حمایت کنند.

مبارزه سیاسی به منظور جلوگیری از جنگ داخلی: روند متزلزل و بالقوه تفرقه‌انگیز
 عراق تاکنون در زمینه رهبری سیاسی موفق بوده است. مقامات عالی‌رتبه تاکنون در مقابل تلاشها به منظور ایجاد جنگ داخلی آشکار مقاومت کرده‌اند و به تلاشهای خود برای پیوستن به روند سیاسی ادامه داده‌اند. روحانیان برجسته شیعه و سنی تلاشهای جدی و یکسانی برای جلوگیری از ایجاد جنگ داخلی و کشتارهای تلافی‌جویانه و انتقام‌جویانه انجام داده‌اند.
 در عین حال، مشکلات بسیار جدی در روند سیاسی عراق وجود دارد و شورشیانی که برای کشاندن عراق به جنگ داخلی تلاش می‌کنند، علی‌رغم تحمل ضربه، اما تاکنون شکست نخورده‌اند. رهبران شیعه و کرد برای پیوستن سنی‌ها تلاش می‌کنند. بسیاری نگران آن هستند که شیعیان یک برنامه فدرالی و مذهبی را به جای برنامه واقعاً ملی و رویکرد متوازن به نقش مذهب در حکومت و قانون در پیش بگیرند. آنها همچنان نگران گرایش فزاینده کردها به استقلال و تلاشهای اخیر کردها برای از بین بردن

هویت عراق به عنوان یک کشور عرب هستند.*

هنگامی که همه‌پرسی پایان یابد، آنگاه ساختار سیاسی عراق باید با مسائل اساسی از جمله: چه نوع مناطق فدرالی ایجاد خواهد شد و حدود اختیارات آنها چقدر باید باشد؛ هر منطقه‌ای چه مقدار از درآمد دولت را دریافت کند؛ قدرت نسبی دولت مرکزی و مناطق فدرالی چگونه خواهد بود؛ چه کسی عملاً اختیارات حقوقی و پلیس را در سطح محلی در اختیار خواهد داشت و نقش حقوقی مذهب در حکومت چیست و ... روبه‌رو و بر سر تمام آنها مسائل - حداقل از لحاظ سیاسی - در ماههای آینده مبارزه شود.**

نبرد نظامی برای جلوگیری از جنگ داخلی: پیروزیهای نامطمئن و پیامدهای نامشخص

شکست تلاشهای نوسلفی‌ها برای ایجاد جنگ داخلی فوق‌العاده دشوار است، مگر اینکه دولت عراق و نیروهای ائتلاف بتوانند آنها را از آمیزه پشتیبانی و تحمل مردمی محروم کنند. این آمیزه به آنها امکان می‌دهند با امنیت نسبی دست به انجام عملیات بزنند و هنگامی که تحت فشار یا مورد حمله قرار گیرند، پراکنده شوند. گروههای کوچک می‌توانند به انجام حملات فوق‌العاده خشونت‌آمیز بر ضد اهداف بی‌دفاع، ارتکاب قتل‌های هدفمند، پشتیبانی مالی از حملات تروریستی و گروگانگیری ادامه دهند.

ساختار هسته‌ای بسیار غیررسمی و ناشناخته هستند و سلسله مراتب آن سریع جایگزین می‌شوند. رهبران اسیر شده یا کشته شده، شهید محسوب می‌شوند و رهبران جدید استخدام یا از خارج به کار گرفته می‌شوند. رهبران و کادرهای باتجربه می‌توانند خود را از اکثر عملیاتها دور نگه دارند. می‌توان به عراقی‌ها پول داد تا عملیات انجام دهند یا استخدام شوند و بر ضد اهداف بی‌دفاع به کار گرفته شوند. شورشیان از اقدامات شورشیان ملی‌گرای عراقی سوءاستفاده می‌کنند و تنها اهداف مهم و حساس را

* نیروهای اشغالگر برای تداوم حضور خود در عراق تلاش دارند به ایجاد و گسترش این احساس در میان اهل سنت دامن بزنند و به دوقطبی شدن جامعه عراق کمک کنند که با هوشیاری رهبران مذهبی و سیاسی عراق این توطئه به نتیجه نرسیده است. (مترجم)

** این مقاله قبل از رأی‌گیری در عراق به نگارش در آمده است. (مترجم)

مورد حمله قرار می‌دهند و از این طریق، خطوط درگیری را جابه‌جا می‌کنند که این برای ترغیب و راه‌انداختن جنگ داخلی ضروری است. توانایی بهره‌بردار از مسائل موجود در سیاست و حاکمیت با توانایی بهره‌برداری از تنشها میان نیروهای ائتلاف و مردم عراق و اختلافات روزانه موجود، مقایسه می‌شود. این مسائل به‌طور فزاینده‌ای شامل اقدامات تهاجمی (و بعضاً بی‌ملاحظه) کارکنان امنیتی پیمانی، که اغلب حساسیت چندانی به پیامدهای سیاسی رفتارشان، در مقایسه با نیروهای ائتلاف ندارند، می‌شود.

این اقدامات یک سلسله معضلات، هم برای دولت عراق و هم عملیات نیروهای ائتلاف ایجاد می‌کند. نیروهای دولت عراق و ائتلاف تقریباً به‌طور یقین در استمرار انجام حملات مؤثر به شبکه‌های افراطی نوسلفی در هر مکانی که تجمع کرده و ممکن است پناهگاههایی داشته باشند یا کنترل برخی مناطق را به دست گرفته باشند، به درستی عمل می‌کنند. این گروهها در پی شکل‌دهی دوباره به عناصر شورش و دولتهای محلی هستند. آنها مانند طالبان در پی به دست گرفتن کنترل کامل و حاکمیت مطلق هستند و نباید به آنها اجازه داد که موفق شوند.

آنها همچنین از هرگونه امنیتی که به دست آورند برای حمله به اهدافی در مناطق شیعه‌نشین، کردنشین و مناطق ترکیبی بهره‌برداری می‌کنند و این کار را با تمرکز بر روی اهداف بی‌دفاع و استفاده از فنون جنگ و گریز مانند بمبگذاریهای انتحاری انجام می‌دهند. برخلاف گروههای ملی‌گرای عراقی، آنها نباید نگران پیامدهای سیاسی چنین تاکتیکهایی باشند. در واقع؛ اینها دقیقاً همان تاکتیکهایی است که بیشترین نتایج را به همراه خواهد داشت.

همزمان، عملیات تهاجمی نیروهای ائتلاف، اصطکاک بیشتری با عراقی‌ها ایجاد می‌کند و تعداد دفعاتی را که «چهره‌های نظامی» به دلیل ندانستن زبان، فرهنگ و سیاست محلی آنها، پیامدهای عمده سیاسی محلی به بار می‌آورند افزایش می‌دهد. حتی موفقیت‌آمیزترین عملیات امنیتی، یک هزینه سیاسی به همراه دارد و تا زمانی که احساس می‌کنند از قدرت حذف شده‌اند و نیروهای ائتلاف را به عنوان «دشمن» تلقی می‌کنند، این هزینه سیاسی ادامه دارد.

چنین عملیاتی دسوار است به‌ویژه وقتی دولت نتواند عملاً پلیس کارآمد و نیروهای امنیتی مؤثر را پس از عملیات مستقر کند یا نتواند حضور مؤثر دولت را استقرار بخشد یا نتواند خدمات و کمکهای دولتی ارائه کند و حضور نمادین پیدا کند یا قولهایی بدهد و به آن عمل نکند. نیروهای ائتلاف هنوز با مشکلات حادثی در زمینه پیگیری حرکتهای و عملیاتی سریع نظامی با هر اقدامی که عملیات مؤثر تثبیت و آرام‌سازی محلی تسهیل کند، مواجه‌اند. نیات و طرحهای خوب اغلب به اقدامات مؤثر تعبیر نمی‌شود. دولت عراق به مراتب بدتر از این است.*

این بدان مفهوم نیست که عملیات نظامی و امنیتی نیروهای دولت عراق و ائتلاف باید با شکست مواجه شود یا اینکه در برخی مناطق موفقیتی به دست نمی‌آوردند. بلکه بدان معناست که ماهیت سیاسی عملیات ضدشورش و مرحله آرام‌سازی، کاملاً حیاتی است. غیر از اشغال و سرکوب، موفقیت نظامی به موفقیت فراگیر روند سیاسی بستگی دارد. عملیات موفقیت‌آمیز نظامی به عملیات امنیتی مستمر و پیگیر و استقرار حاکمیت بستگی دارد. گسترش مؤثر نیروهای عراقی به ایجاد واحدهای نظامی و امنیتی «ملی» فراگیر و توانایی اعزام و استقرار پلیس و نیروی امنیتی تثبیت‌کننده بستگی دارد.

عملیات در مناطقی مانند موصل نشان داده که این امر امکان‌پذیر است؛ اما مسلم است که نیروهای ائتلاف هرگز نمی‌توانند عراقی یا مسلمان باشند و اینکه، روند سیاسی عراق هنوز تلاشهای نظامی و امنیتی را تضعیف می‌کند و گسترش نیروهای عراقی با مشکلات عمده‌ای مواجه است.

مبارزه اقتصادی بر جلوگیری از جنگ داخلی

هیچ آمار صحیح و دقیقی در زمینه وضعیت اقتصادی عراق وجود ندارد، اما مسلم است که عراقی‌ها با نرخ بیکاری بالایی مواجه هستند که بسیاری از افراد، امید واقعی ناچیزی در مورد بهبود فوری اوضاع دارند.

به قولهای داده شده عمل نمی‌شود و پولها ناپدید می‌شود. طرحهای بازسازی کاملاً

* عدم درک صحیح اشغالگران از ماهیت شورش و اتخاذ استراتژی ضد شورش ناکارآمد از دلایل عدم موفقیت آن در عرصه کنترل ناآرامی‌ها می‌باشد. (مترجم)

اجرا نمی‌شود. غیر از مرکز برنامه‌ریزی برای بازسازی و دیگر سازمانهای کمک‌رسانی امدادی، دلارها به گونه‌ای مؤثر به عنوان جایگزینی تأثیرگذار برای گلوله، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. نتیجه این می‌شود که از اقتصاد به عنوان ابزاری کارآمد استفاده نمی‌شود. فشار برای ایجاد جنگ داخلی می‌تواند گسترش پیدا کند، به طوری که کشورهای خارجی را نیز دخیل نماید. سوریه خیلی آشکار عملیاتهای افراطیون نوسلفی را در خاک خود تحمل و از آن پشتیبانی می‌کند. علی‌رغم آنکه در این کشور، دولت تحت کنترل علوی‌ها بر سر کار است. یک جنگ داخلی گسترده‌تر و شدیدتر می‌تواند منجر به آن شود که دیگر دولتهای عرب به طرفداری از شورشی‌ها موضع بگیرند. هر گونه اختلافات عمیق در درون عراق می‌تواند مسئله کردها را دوباره مطرح کند؛ چرا که این مسئله، ترکیه و احتمالاً ایران و سوریه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

ایران و وضعیت عراق

دخالت ایران در امور عراق هم از سوی شیعیان ایران و هم از سوی شیعیان عراق رد شد. ایران اظهارات شاه عبدالله را مبنی بر دخالت ایرانیان در انتخابات عراق «توهین» به عراق دانست. حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت خارجه ایران نیز از غازی الیاور خواست که اظهارات خود را پس بگیرد و شاه عبدالله دوم و الیاور را متهم کرد می‌خواهند بر انتخابات عراق تأثیر بگذارند.^{*} آصفی گفت: «متأسفانه برخی جریان‌های سیاسی در عراق در پی خدشه‌دار کردن روند انتخابات در آن کشور هستند و موجب نگرانی افکار عمومی می‌شوند. ما انتظار داریم آقای الیاور وضعیت حساس کنونی را مورد توجه قرار دهد و از تکرار چنین ادعاهایی خودداری نماید.»

شیعیان عراقی نیز به اظهارات شاه عبدالله در مورد نگرانی از شکل‌گیری «هلال شیعی» واکنش نشان دادند. شیعیان عراقی از شاه عبدالله پادشاه اردن خواستند عذرخواهی کند. حوزه علمیه نجف بیانیه‌ای صادر کرد و در آن شاه عبدالله را به دخالت در امور داخلی عراق متهم کرد:

^{*} ناتوانی اشغالگران آمریکایی در فرونشاندن شورش در عراق، آنها را دچار نوعی فرافکنی کرده است به گونه‌ای که انگشت اتهام را به سوی همسایگان عراق دراز کرده‌اند. (مترجم)

«تحریف واقعیتها و دخالت آشکار در امور داخلی عراق، تحریک احساسات قبیله‌ای در منطقه بر ضد شیعیان عراق، تحریک قدرتهای بزرگ بر ضد شیعیان، مرعوب ساختن کشورهای منطقه و متهم کردن آنها به داشتن روابط با ایران، نشان دادن تمایل زیاد به تأمین امنیت اسرائیل و ابراز نگرانی در مورد پیروزی شیعیان در انتخابات آینده، درحکم توهین به میلیونها نفر در ایران است که تنها به این دلیل مورد توهین قرار گرفته‌اند که آنها پیرو مذهبی هستند که شاه اردن مخالف آن است ...

مرکز علمیه نجف امیدوار است که پادشاه اردن از شیعیان منطقه و عراق و علمای مذهبی آنان عذرخواهی نماید؛ چرا که اظهارات نادرستی بر ضد آنها بیان کرده است.»

دیدگاههای کشورهای عربی حوزه خلیج [فارس]

کشورهای حاشیه خلیج [فارس] به‌ویژه عربستان سعودی نیز دیدگاههای خود را در زمینه وحدت عراق و نگرانی آنها از حاکمیت شیعیان بر یک کشور عربی که خود را متحد ایران بدانند، روشن ساخته‌اند. عربستان سعودی خواستار حضور بیشتر سنی‌ها در روند تدوین قانون اساسی عراق شده است.

هنگامی که پیش‌نویس قانون اساسی عراق هویت عربی و اسلامی این کشور را به رسمیت نشناخت، دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس، قانون اساسی عراق را «یک فاجعه» خواند. شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی نیز هشدار داد اگر قانون اساسی، سنی‌های عراق را مورد توجه قرار ندهد، این امر موجب بروز اختلافات فرقه‌ای می‌شود که ممکن است وحدت عراق را تهدید کند.

شاهزاده سعود الفیصل بعداً به ایالات متحده تأکید کرد که به رهبران شیعه و کرد دولت عراق فشار آورد تا برای گرد هم آوردن ملت عراق تلاش کنند. وی گفت: «[آمریکاییها] اکنون در مورد سنی‌ها صحبت می‌کنند گو اینکه آنها یک موجودیت جداگانه‌ای از شیعیان بوده‌اند». الفیصل بر نگرانی خود از ایجاد جنگ داخلی و خطرات ناشی از آن تأکید کرد. وی گفت: «اگر شما جنگ داخلی را تعقیب کنید، عراق برای همیشه از بین خواهد رفت.»

بر اساس گفته الفیصل، جنگ داخلی در عراق می‌تواند پیامدهای زیادی در منطقه

داشته باشد. وی بر نگرانی این پادشاهی از اتحاد میان ایران و عراق تأکید کرد. وزیر خارجه عربستان سعودی تصریح کرد که «ما (ایالات متحده و عربستان سعودی) در کنار هم جنگیده‌ایم تا پس از اخراج عراق از کویت، ایران را از این کشور دور نگه داریم». وی اضافه کرد سیاست ایالات متحده در عراق این است که «تمام این کشور را بدون هیچ دلیلی به ایران تسلیم کند». الفیصل گفت: ایرانی‌ها نفوذ خود را در عراق تثبیت کرده‌اند؛ چرا که آنها «پول خرج می‌کنند ... افراد موردنظر خود را منصوب می‌کنند و حتی نیروهای پلیس را تعیین می‌کنند و شبه‌نظامیان را در آنجا مسلح می‌نمایند».*



* برگزاری انتخابات سراسری در عراق و مشارکت ۷۰ درصدی مردم نشان‌دهنده اعتماد مردم عراق به سازمانها و هیأت پارلمانی این کشور و نشان‌دهنده تمایل جدی اکثریت مردم عراق به برقراری ثبات و نابودی شورش در این کشور است. برگزاری انتخابات سراسری و برآمدن دولت مشروع در عراق، کار شورشیان را برای تداوم عملیات خود در عراق مشکل می‌کند و حمایت برخی محافل خارجی از اقدامات آنها را با موانع جدی روبه‌رو می‌سازد. پس از شکل‌گیری یک دولت منتخب در عراق، نه شورشیان و نه حامیان آنها برای دفاع از حملات خود و نه دخالت در امور عراق، انگیزه عامه‌پسندی نخواهند داشت. از همین رو تلاش دارند تا با ناامن کردن بیشتر عراق تا حد امکان برگزاری انتخابات سراسری و شکل‌گیری دولت منتخب را به تأخیر اندازند. خروج نیروهای اشغالگر زمینه‌ساز انتقال کامل حکومت به مردم عراق را به دنبال خواهد داشت.

لازم به یادآوری است که به اعتقاد نویسنده مقاله و بر اساس آمار ارائه شده، عربستان سعودی رتبه اول را در تأمین نیروهای شورشی در عراق دارا می‌باشد. (مترجم)